

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2026; 18: e11

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Analyzing the Demonic Roots of Disease and Explaining the Function of Nirang in the Zoroastrian Texts (Avesta and Pahlavi)

Maryam Navi^{1*} , Mehdi Elmi Daneshvar¹

1. Department of Eastern Religions, Faculty of Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In Zoroastrian texts, including the Avesta and the Dēnkard, diseases are understood as the result of the onslaught of Ahriman (the Evil Spirit) and his creations upon the world of Ahura Mazda. Poisonous creatures-especially the xrafstars, regarded as demonic beings-serve as the instruments of this aggression, spreading sickness throughout the cosmos. In counteraction, Ahura Mazda dispatched healing divinities such as Airyaman, Haoma, Vanant and Sraosha to restore human health. These divine healers employed both material methods (e.g., medicinal plants) and spiritual practices (e.g., reciting māntra and performing Nirang rituals) in their therapeutic processes.

Methods: This research adopts a library-based approach, employing content analysis of Zoroastrian scriptures. To this end, Avestan sources, Pahlavi texts and relevant contemporary studies have been thoroughly examined and analyzed.

Ethical Considerations: All ethical principles of library research-including textual authenticity, honesty, and fidelity in citation and representation-have been strictly observed throughout this study.

Results: The ritual of "binding diseases through Nirang" (Nirang bastane bīmārīhā), performed to repel illnesses and noxious creatures or to fulfill personal wishes, was carried out using sacred words, consecrated water, plants, amulets and talismans. In this ritual, the mythical figure Fereydūn plays a prominent role; by preparing remedies and harnessing the power of sorcery-alongside the assistance of the divinity Vanant-he binds and neutralizes poison. Talismans such as the "Scorpion Charm" (raq'a-yi kazhdum) and metal amulets engraved with Fereydūn's image exemplify the manifestation of these beliefs in popular literature.

Conclusion: In Zoroastrian thought, the disruption of bodily order, i.e., disease, was perceived as a consequence of demonic agency. The employment of incantations and prayers designated as Nirang not only facilitated the restoration of health but also constituted an active participation in the cosmic battle between good and evil.

Keywords: Zoroastrian texts; Nirang; Religion and Medicine; Spiritual Healing; Amulet

Corresponding Author: Maryam Navi; **Email:** maryam.gholamnavi@gmail.com

Received: February 9, 2026; **Accepted:** May 18, 2026; **Published Online:** September 21, 2026

Please cite this article as:

Navi M, Elmi Daneshvar M. Analyzing the Demonic Roots of Disease and Explaining the Function of Nirang in the Zoroastrian Texts (Avesta and Pahlavi). *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2026; 18: e11.



تحلیل ریشه‌های اهریمنی بیماری و تبیین کارکرد نیرنگ در متون زرتشتی (اوستا و پهلوی)

مریم ناوی ^{id} *، مهدی علمی دانشور^۱

۱. گروه ادیان شرق، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در متون زرتشتی، از جمله اوستا و دینکرد، بیماری‌ها حاصل هجوم اهریمن و آفریده‌های او به جهان اهورایی هستند. موجودات زهرآگین، به ویژه خرفستران که آفریدگانی اهریمنی به شمار می‌روند، ابزار این تهاجم را تشکیل می‌دهند و بیماری‌ها را در جهان می‌گسترانند. در برابر این تخریب، اهورامزدا ایزدان درمانگری چون ایریمن، هوم، ونند و سروش را برای شفابخشی به انسان‌ها گسیل داشت. این ایزدان در فرایند درمان، هم از روش‌های مادی (همچون کاربرد گیاهان دارویی) و هم از روش‌های معنوی (مانند مانتره‌خوانی و نیرنگ‌خوانی) بهره می‌جستند.

روش: پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای متون زرتشتی انجام گرفته است. بدین منظور، منابع اوستایی، متون پهلوی و پژوهش‌های معاصر مرتبط با موضوع بررسی و واکاوی شده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: آیین «نیرنگ بستن بیماری‌ها» که با هدف دفع بیماری‌ها و موجودات مودی یا برآورده‌سازی حاجات به کار می‌رفت، با استفاده از کلام مقدس، آب مقدس، گیاهان، تعویذها و طلسم‌ها اجرا می‌شد. در این آیین، فریدون به عنوان شخصیتی اساطیری نقشی برجسته دارد؛ او با ساخت دارو و به یاری نیروی افسون‌گری و همراهی ایزد ونند، زهر را می‌بندد. طلسم‌هایی چون «رقعه کزدم» و طلسم‌های فلزی منقوش به نقش فریدون، نمونه‌هایی از تجلی این باورها در ادبیات عامه به شمار می‌روند.

نتیجه‌گیری: در اندیشه زرتشتی، ازهم‌گسیختگی نظم بدن یا بیماری، برآمده از کنش اهریمنی تلقی می‌شد. به کارگیری افسون‌ها و دعا‌هایی که «نیرنگ» نام داشتند، نه تنها به بازگشت سلامتی می‌انجامید، بلکه خود نوعی مشارکت فعال در نبرد مینوی میان نیکی و بدی محسوب می‌گردید.

واژگان کلیدی: متون زرتشتی؛ نیرنگ؛ دین و پزشکی؛ درمان‌های معنوی؛ تعویذ

نویسنده مسئول: مریم ناوی؛ پست الکترونیک: maryam.gholamnavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Navi M, Elmi Daneshvar M. Analyzing the Demonic Roots of Disease and Explaining the Function of Nirang in the Zoroastrian Texts (Avesta and Pahlavi). *Tārkh-i pizishkī*, i.e., Medical History. 2026; 18: e11.

مقدمه

در سنت‌های دینی باستان، تبیین پدیده بیماری غالباً در پیوند با جهان‌بینی کیهانی و تقابل نیروهای خیر و شر صورت می‌گیرد. در این چارچوب، بیماری صرفاً یک عارضه جسمانی تلقی نمی‌شود، بلکه نشانه‌ای از برهم‌خوردن نظم مطلوب جهان و نفوذ نیروهای مخرب در حیات انسان است. آیین زرتشتی نیز به عنوان یکی از کهن‌ترین سنت‌های دینی ایرانی، در متون مقدس و تفسیری خود تصویری ویژه از منشأ بیماری و شیوه‌های مقابله با آن ارائه کرده است. در متون اوستایی و پهلوی، از جمله وندیداد، دینکرد و بندهش، بیماری غالباً در پیوند با کنش‌های اهریمن و آفریدگان او تفسیر می‌شود. در این متون، اهریمن و نیروهای وابسته به او با هدف برهم‌زدن نظم اهورایی، عناصر زیانکار و موجودات گزنده‌ای را پدید می‌آورند که می‌توانند به جسم و روان انسان آسیب برسانند. از این رو، بیماری در جهان‌بینی زرتشتی نه صرفاً پدیده‌ای طبیعی، بلکه جلوه‌ای از تقابل کیهانی میان نیروهای نیکی و بدی تلقی می‌شود. در متون زرتشتی از شیوه‌های گوناگونی، برای دفع آلودگی و بازگرداندن تندرستی در برابر این نیروهای اهریمنی یاد می‌کنند که بخشی از آن‌ها ماهیتی آیینی و دینی دارد. یکی از مهم‌ترین این شیوه‌ها «نیرنگ» (Nirang) است. نیرنگ مجموعه‌ای از اعمال و اوراد آیینی است که با بهره‌گیری از کلام مقدس، عناصر طبیعی و مناسک دینی برای دفع نیروهای زیانکار، بستن بیماری‌ها و بازگرداندن سلامتی به کار می‌رفته است. نیرنگ در این سنت نه صرفاً یک عمل جادویی، بلکه، بخشی از سازوکار دینی مقابله با آشوب اهریمنی و حفظ نظم اهورایی محسوب می‌شود. برای مقابله با عوامل بیماری‌زای آفریده‌شده توسط اهریمن و دستیارانش، اهورامزدا ایزدان درمانگری را به زمین فرستاد تا مردم را درمان نمایند. نقش ایزدان درمانگر آنقدر پررنگ است که کارساز شدن داروها تنها با استعانت از آنان میسر می‌گردد. در متون مقدس زردشتی و تفسیری درمان بیماری همراه با اوستاخوانی برای شفای بیمار صورت می‌پذیرد و این نشان‌دهنده اهمیت بعد معنوی درمان است. بر این اساس اهمیت دادن به حرفه پزشکی و اهورایی دانستن آن نیز نشان‌دهنده جایگاه والای

درمانگران بیماری‌ها در بین مردم است.

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل نظام‌مند مفهوم بیماری و درمان از طریق مطالعه و بررسی اوستا و ترجمه‌ها و تفاسیر پهلوی متون دینی به ویژه متون نیایشی از قبیل یشت‌ها، وندیداد، دینکرد، بندهش، روایت پهلوی و روایات داراب هرمزدیار است. این تحلیل بر دو محور اصلی متمرکز خواهد بود:

۱. **ریشه‌شناسی اهریمنی بیماری:** تبیین این باور بنیادین که بیماری‌ها نه یک پدیده طبیعی، بلکه معلول مستقیم آفرینش‌ها و اقدامات نیروهای پلید (به ویژه اهریمن و دیوان مرتبط با او مانند خرفستران و دروج نسو) هستند.

۲. **بررسی راهکارهای درمانی دینی - آیینی:** تشریح ابزارهای مقابله‌ای زردشتیان در برابر این عوامل بیماری‌زا، که شامل طب الهی (مانند نقش ایزد ائیریامن (Aryaman) و آیین‌های جادو - درمانگری (مانند نیایش‌ها، اوراد و آیین نیرنگ) است.

در نهایت، این پژوهش بر آنست که نشان دهد موضوع «نیرنگ بستن بیماری‌ها» به عنوان پاسخی مستقیم به عوامل اهریمنی بیماری، و ارتباط آن با شخصیت‌هایی چون فریدون، موضوعی است که کمتر به صورت منسجم و تلفیقی در ادبیات پژوهشی مورد توجه قرار گرفته است.

روش

در این مطالعه سعی گردید با مراجعه به دوره‌های مختلف متون زردشتی با شناسایی عوامل بیماری‌زا به دسته‌بندی آنان بپردازیم. از آن جمله می‌توان به یکی از بخش‌های اوستا به نام وندیداد اشاره کرد که معنای آن «داد دور دارنده دیو» است. در وندیداد نام اهریمنانی آمده که عامل به وجود آورنده بسیاری از بیماری‌ها هستند. دینکرد کتاب مهم دیگری است که به عنوان دانشنامه مزدیسنی تلقی شده و دربردارنده مطالب و روایاتی است که موبدان بزرگ زردشتی پس از پراکنده‌شدن اوستا، آنها را گردآوری نمودند. فصل ۱۵۷ کتاب سوم دینکرد تماماً به مطالب پزشکی پرداخته است. کتاب

۲. **آفرینش دیوان و خرفستاران:** در آیین‌های درمانی اوستا، به ویژه وندیداد و یشت‌ها، درمان بیماری‌ها نه تنها جنبه پزشکی، بلکه بُعدی آیینی و مقدس داشت. اهریمن به دلیل سرشت مرگ‌آفرینی، عالم را با شر و بیماری به تباهی کشاند. آفریده‌های اهریمنی در بدن آدمیان مأوا گرفتند و با عنوان بیماری در جهان پراکنده شدند.

۳. **آیین‌های درمانی:** آیین‌های درمان بیماران ترکیبی از روش‌های طبی، گیاه‌درمانی و نیایش‌های دینی بودند. گیاهان نقش محوری در پاک‌سازی روح و جسم داشتند و آماده‌سازی آن‌ها اغلب با خواندن یشت‌های مخصوصی از اوستا همراه بود. مصرف گیاهان به صورت جوشانده یا عصاره و یا سوزاندن در آتش، باعث پاک‌سازی محیط از شر اهریمنان و دروج نسو می‌شد (۳). در فرگرد ۸ بند ۸۰ وندیداد از گیاهان معطری نام برده شده که از بوی خوش آنها هنگام سوختن، دیوان، پریان و جادوگران می‌مردند (۴). دود کردن چهار نوع گیاه معطر اورواسن (Rasan)، هوگئون (Hugon)، هوکرتی (Hukart) و هذائپتا (Hadnanpak) علاوه بر ضد عفونی کردن محیط، برای کفاره گناه نذر آتشکده می‌شد. این گیاهان را به ترتیب متعلق به درخت‌های صندل، لبنان، عود و چوب انار دانسته‌اند (۵). کوبیدن گیاه هوم در هاون و ترکیب شیر آن با آب و شیر، شربتی را به وجود می‌آورد که به آن پراهوم می‌گفتند و مؤمنان در هنگام اجرای مراسم مذهبی قدری از آن می‌نوشیدند. نام بعضی از گیاهان درمانی که در طب قدیم ایران کاربرد داشت، در متون پهلوی مانند بندهش آمده است (۱). یکی از این گیاهان بلادر (Baladur) است که در منابع اسلامی به نام «حب‌القلب» خوانده می‌شد و برای درمان بیماری‌های پوستی به کار می‌رفت (۶).

۴. نظام درمانی ایزدی و اسطوره‌ای در متون دینی

۴-۱. **ایزدان درمانگر:** در متون دینی یا سایر منابع پهلوی فهرستی از نام ایزدان وجود دارد که بنا به توانمندی که از سوی اهورامزدا به آنان عنایت شده، قدرت فراوانی برای برطرف نمودن ناخوشی‌ها و بیماری‌ها دارند.

بندهش یا زندآگاهی اثر دانشنامه‌ای و عمدتاً در مورد کیهان‌شناسی و نحوه مقابله اهریمن است. کتاب روایت پهلوی نیز به موضوعات آیینی، حماسی، اسطوره‌ای و بعضی نکات جادویی می‌پردازد.

یافته‌ها

۱. **ریشه‌های اسطوره‌ای بیماری:** زردشتیان شر را هر چیزی می‌دانستند که مانع نظم می‌شد؛ پس بیماری، مرگ، قاعدگی و حتی پیری علائم روح شر بودند. همانطور که در قدیمی‌ترین لایه‌های سنت‌های مذهبی هند و اروپایی، برقراری نظم جهانی برای حفظ و نگهداری دنیا بود که انسان‌ها باید در آن مشارکت می‌کردند، تلاش انسان برای ریشه‌کن کردن شر و موجودات اهریمنی که باعث بی‌نظمی می‌شدند نیز ضروری به نظر می‌رسید. اعتقاد به جادوگران و دیگر موجودات اهریمنی در اوستا توضیحی ضروری برای شر بود. همان‌گونه که جادوگر بزرگ اولیه یا روح شر با جادوگر بزرگ خوب یا اهورا مزدا می‌جنگید، نمایندگان انسانی آنها نیز این جنگ را ادامه می‌دادند. هدف جادوگری برهم‌زدن نظم بود که اهورا مزدا برقرار کرده بود. بنابراین نه تنها بر جهان گیتی تأثیر می‌گذاشت، بلکه علیه طرح نظم کیهانی نیز عمل می‌کرد. جادوگری و سایر جادوهای بد در مقیاس بسیار بزرگی شر تلقی می‌شدند، زیرا می‌توانستند باعث فروپاشی ساختار جهانی شوند. در بندهش آمده است: «نبردی که از آغاز بین دو روح بزرگ آغاز شده بود، باید به پایان می‌رسید.» (۱) برای اطمینان از پیروزی خدای خوب، پیروان شر باید سرکوب شوند. به این ترتیب، حتی یک عمل کوچک جادوگری به امتیازهای طرف شر می‌افزاید و شانس پیروزی خدای خوب را کاهش می‌دهد. طبق متون، جادویی که توسط اهورا مزدا خلق و توسط زردشت استفاده شده، برای کمک به مردم در برابر شر در نظر گرفته شده است. این واقعیت که روح اهریمنی و پیروانش جادو را برای اهداف شر منحرف کرده‌اند، ایزدان و کاهنان را آزرده خاطر کرده، زیرا به نظر می‌رسد تقلیدی تحقیرآمیز از اعمال آنها بوده است (۲).

می‌رود). هرچند پایان فرگرد ۲۲ ناتمام است، اما شکی نیست که از این آیین و کشیدن خط برای برگرداندن سلامتی و رفع بیماری استفاده می‌شد (۴).

۴-۱-۴. **وَنَند:** در اوستا ایزد وَنَند (Wanand) یکی از چهره‌های کمتر شناخته شده، اما بسیار نمادین است. در یشت بیست و یکم آمده است: «وَنَند، ستاره مزداآفریده اَشَوَن، رَد اشونی را می‌ستاییم؛ وَنَند درمان‌بخش و سزاوار بلندآوازی را می‌ستاییم؛ پایداری در برابر خرفستران رانده‌شدنی زشت.» (۴) وَنَند در غرب آسمان در مغرب که مرز میان روشنی و تاریکی و زمان قبل از شروع آشوب است، می‌درخشد و به عنوان دافع نیروهای اهریمنی و گاه همراه با فریدون اسطوره‌ای در کار نیرنگ بستن زهر و دفع خرفستران تاثیر دارد (۸).

۴-۱-۵. **سروش:** نگهبان شب، پاسدار اطاعت و راستی و دشمن اصلی دیوان و محافظ روان انسان‌ها بود. در دعا‌های دفع تب و ترس از عباراتی چون «به آواز سروش یا به فریاد سروش، بیماری را ببند» در نیرنگ‌ها استفاده می‌شد.

۴-۲. **فریدون اسطوره‌ای:** در روایات اوستایی فریدون توانایی انجام اعمال خرق عادت و مهارت در افسون و نیرنگ را داشت و بسانِ طبیعی حاذق و ماهر مورد احترام ایرانیان بود. وی سحر را پدید آورد، از جرم ماران افعی پادزهر و از گیاهان، دارویی ساخت تا آفات را از جسم موجودات زنده دفع کند. فریدون به لحاظ داشتن سه نیروی ویژه یعنی توان رزمی، طبابت و افسونگری چهره‌ای ممتاز از دیگر قهرمانان اساطیری و حماسی ایران داشت (۹). ارتباط فریدون و طبابت در وندیداد فرگرد ۲۰ آمده که بر اساس آن ثریته نخستین طبیب ایرانی به یاری شهریور امشاسپند تعدادی از بیماری‌هایی را که نامشان در بند ۳ همین فرگرد آمده و ماهیت اغلب آنها ناشناخته است را مداوا می‌کند (۴). دانش فریدون در افسونگری منشاء ایزدی دارد و فرشته‌ای آن را به فرمان یزدان به او آموخته تا راز کارهای نهانی را بداند و جادوی دشمنان را باطل سازد (۹). هنگامی که فریدون برای نبرد با اژی‌دهاک (ضحاک) رهسپار جنگ می‌شود، در شبی تیره ایزدی خیرخواه به هیات پری به او افسونگری می‌آموزد

۴-۱-۱. **اهورامزدا:** گرچه خدای کل هستی است، اما در برخی یشت‌ها مانند هرمزدیشت، به عنوان سرچشمه همه درمان‌ها و آفریننده ایزدان شفابخش معرفی می‌شود.

۴-۱-۲. **هوم:** ایزدی مینوی و گیاهی مقدس است که از عصاره آن برای بازگرداندن نیرو و شادابی یا درمان بیماری‌های مزمن استفاده می‌شود. (گیاه هوم از گونه افدرا (Ephedra sinica) بوده و در کوهستان‌های ایران و افغانستان به بلندی بوته‌ای کوچک می‌روید. به نظر می‌رسد که ویژگی‌های درمانی دارد و مردم آن را به صورت دم‌کرده به کار می‌برند). در بند ۹ هات ۱۰ هوم‌یشت اوستا آمده است: «هوم شر را از بین می‌برد و نیروی زندگی‌بخش دارد.» (۴) او دورکننده مرگ است و به هنگام فرسکرد، جاودانگی و نامیرایی می‌بخشد (۱). در بسیاری از متن‌های پازندی (پازند در اصل به معنای نوشتن زبان پهلوی با خط اوستایی یا دین‌دبیره است. متون پازند به متونی گفته می‌شود که در دوره‌های متأخر، به‌ویژه از قرن ششم میلادی به بعد، از پهلوی به خط اوستایی بازنویسی شدند تا خواندنشان آسان‌تر شود). دعا با عبارت «به آب هوم شفا ده» آغاز می‌شود.

۴-۱-۳. **آئیریامن:** در آغاز آفرینش با فرمان جهان‌آفرین و با کمک ایزد آریمن، ایزد بخشنده دارو و درمان و تندرستی، بیماری‌ها سرکوب و نابود می‌شود (۶). وی نخستین پزشک مینوی و ایزد موکل بر درمان است که برای شفای بیماران دعای «آیریمن ایشیه» به او تقدیم می‌شود و به تفصیل در اردیبهشت‌یشت از وی یاد شده است. در این یشت اهریمن می‌گوید: «وای بر من از دست اردیبهشت که سخت‌ترین تب‌ها را براندازد.» (۴) در دینکرد وی محافظ پزشکان بوده و آنها را با درمان مردمان یاری می‌کند (۷). آیریمن پس از دریافت پیام اهورامزدا بی‌درنگ به سوی کوه و جنگل پرسش‌های ایزدی رفت و نه نریان، نه شتر، نه گاو، نه ستور کوچک و نه شاخه چوب با خود برد و نه شیار بر زمین کشید. (این شیارها را برای برگزاری آیین برش‌نوم می‌کشد که بزرگترین نیرنگ به شمار می‌آید و در آن همه شرها و بدی‌های روانی و تنی از ناخوشی‌ها و بیماری‌های اهریمنی گرفته تا مرگ از میان

(۱۰). نیرنگ‌های متعددی در کتاب‌های پهلوی موجود است که برای رفع نظر بر روی کاغذ نوشته شده و به صورت تعویذ استفاده می‌گردد (۱۱). (تمایل به تداوم اسطوره فریدون و عملکرد درمانگری وی سبب گردیده داستان‌هایی با شخصیت‌های مشابه اما نام‌های مختلف در بین مردم رایج گردد که نمونه‌ای از آن امامزاده شاهزید در روستایی در ۳۵ کیلومتری آمل است. خادم امامزاده شبی در حین نماز خواندن با تسبیحی که از آسمان به زمین می‌افتد روبرو می‌شود. وی تسبیح را نگه می‌دارد و هرگاه بیماری به امامزاده می‌آید، این تسبیح را در آب قرار داده و آب را به بیمار می‌دهند. شباهت‌های بین روایت زندگی فریدون و شاهزید ایده دگردیسی داستان اسطوره‌ای فریدون را مطرح می‌نماید (۱۲).

۴-۲-۱. **طلسم فریدون:** در موزه بریتانیا مهری (تصویر ۱) وجود دارد که به گفته پژوهشگران این موزه احتمالاً طلسم فریدون است. این گوهر از عقیق یمنی ساخته شده با نقش مردی که لباسی شبیه به شخصیت‌های ایرانی دارد. بر روی

سطح حکاکی شده این نگین، صحنه‌ای از کشمکش میان یک دیو و یک مرد به تصویر درآمده است. دیو در حال بلعیدن موجودی انسانی است و در دست وی شیء قرار دارد که به تصویری از سر گاو نر ختم می‌شود. این شیء احتمالاً همان گرز معروف گاو سر فریدون است که به سفارش آهنگران برای رویارویی او با پادشاه اهریمنی آذی‌دهاک ساخته شده است. بدون شک این اثر نیز یک طلسم است که برای درخواست کمک از فریدون در برابر نیروهای تاریکی طراحی شده است. با توجه به نقش پررنگ فریدون در شفای بیماران و از آنجایی که دیو نه تنها در حال زخمی کردن، بلکه در حال بلعیدن یک پیکره انسانی نشان داده شده است، پس می‌توان این فرض را در نظر گرفت که بیماری که فریدون برای مقابله با آن وارد عمل شده، یک بیماری کشنده بوده است. افزون بر این، اندازه نسبتاً بزرگ این گوهر در مقایسه با مهرهای معمولی، طلسم بودن آن را بیش‌تر تداعی می‌کند. به احتمال فراوان، نقش‌مایه روی این مهر متعلق به دوران ساسانی است (۱۳).



تصویر ۱: طلسم فریدون. نگهداری در موزه بریتانیا

https://www.britishmuseum.org/collection/object/A_1905-0530-1

۴-۲-۲. **تعویذ فریدون برای درمان بیماری چشم:** متن دعایی که ترکیبی از حروف اوستایی، فارسی و پهلوی است، بر

روی کاغذی نوشته و به بازوی چپ بسته می‌شود. دعا به این قرار است: «به نام خدا. به نام قدرت و شکوه فریدون پسر

اثویان. خورشید چابک‌سوار را می‌ستاییم. خورشید جاودانه، باشکوه و چابک‌سوار را می‌ستاییم. تیشتریای قوی‌چشم را می‌ستاییم. باشد که (فلانی، مثلاً آذرچهر پسر آذرچهر)، به واسطه قدرت و شکوه فریدون پسر اثویان، به واسطه قدرت ستارگان شمالی، تندرست باشد. باشد که چنین باشد. باشد که زندگی خوب و نشانه‌های خوب وجود داشته باشد. باشد که خوب باشد. باشد که چنین باشد.» (۱۴) دلیل اینکه خورشید، ستاره تیشتر و دیگر ستارگان در طلسم رفع بیماری‌های چشم ذکر می‌شدند، احتمالاً آن است که درخشش ستارگان استعاره‌ای از چشمان قوی و سالم به شمار می‌رفته است.

۵. نیرنگ: کلام مقدس و آیین مهار بیماری

۵-۱. نیرنگ و کارکرد آن: در سنت زرتشتی، افسون‌ها و دعا‌هایی که برای دفع بیماری‌های جسمی، روانی و مینوی به کار می‌روند «نیرنگ» نامیده می‌شوند. نیرنگ همچنین به معنی باج یا دعای کوتاهی است که همراه با نیایش طولانی خوانده شود. این دعاها با هدف بازگرداندن هماهنگی ایزدی و دفع نیروهای اهریمنی و برای حفاظت یا درمان به کار می‌رفته‌اند (۵). معمولاً این نیرنگ‌ها به شکل‌های کوتاه، آهنگین و کاربردی نوشته می‌شده و در آیین‌های شفابخشی یا برای درهم‌شکستن دیوان، خوانده می‌شده‌اند. همچنین اجرای آن‌ها با آیین‌هایی چون افشاندن آب مقدس، دود کردن اسپند، یا خواندن نیایش در هنگام شب همراه بوده است (۱۵).

تعداد زیادی از نیرنگ‌ها هنوز به زبان پازند موجودند و برخی از آنها در کتب متأخر مانند کتب روایات جمع گردیده‌اند. این قبیل نیرنگ‌ها هنوز هم در ایران رواج دارد، فقط اسم آن‌ها عوض شده و دعا نامیده می‌شود و محتویات اسلامی پیدا کرده‌اند (۱۶). استفاده از واژه «بستن» در ترکیب‌هایی مانند «نیرنگ تب‌بستن» صرفاً یک تعبیر استعاره‌ای یا آیینی نیست، بلکه ریشه در باورهای عمیق دینی و زبانی دارد. در زبان پهلوی و پازند، واژه بستن به معنای مهار کردن، بازداشتن یا سد کردن نیز به کار می‌رفت. در نیرنگ‌هایی مانند تب بستن، منظور از بستن آن است که نیروی بیماری (تب) مهار و متوقف شود؛ گویی درب ورود آن به بدن بسته می‌شود. در

سنت زرتشتی، کلام مقدس (مانتره) قدرت واقعی دارد. وقتی گفته می‌شود «تب را ببند»، این یک فرمان مینوی است که با خواندن نیرنگ، تب باید از بدن خارج یا متوقف شود. این باور در دعا‌های دیگر نیز دیده می‌شود، مانند «بستن زبان دشمن» یا «بستن راه بلا». این ساختار زبانی بعدها در فرهنگ عامه نیز باقی ماند، مانند «بستن چشم‌زخم»، «بستن زبان»، یا «بستن درد» که همگی ریشه در همین سنت‌های کهن دارند. نیرنگ را فقط افراد عالم به تعلیمات دینی مانند روحانیون اسلامی و مغان زردشتی می‌توانند ببندند. بستن گره به طور نمادین بیانی از مفهوم بستن است. در داستان عاشقانه «ویس و رامین» دایه ویس با بستن دو مجسمه (که نمادی از زن و شوهر است) به همدیگر و دفن آنها در ساحل رودخانه تلاش می‌کند تا همسر ویس دچار ناتوانی جنسی شده و نتواند به امورات زناشویی بپردازد (۱۷). (داستان دیگری از بستن گره به قصد آسیب زدن مربوط به داستان سمک عیار است که فرد بدخواه با بستن گره‌های مخصوصی که «بند بابلی» نامیده می‌شود و نحوه بستن آنها را آموزش دیده سمک را فلج می‌کند).

۵-۲. انواع نیرنگ

۵-۲-۱. نیرنگ زهر بستن: از آنجایی که کشتن خرفسرها (موجوداتی مانند مار، عقرب، وزغ و مور) کفاره برخی گناهان به شمار می‌رفته و ثواب زیادی برای شخص داشته، نیرنگ‌های فراوانی برای این عمل دینی باقی مانده است که یا برای دفع این جانوران خوانده می‌شد، یا هنگام کشتن آنان باید بر زبان رانده می‌شد تا پاداش، کامل گردد (۱۸). در گاهشماری ایرانی بنا به قول برخی مورخان مانند ابوریحان بیرونی، بهترین زمان برای نیرنگ بستن و دفع بلا یا «روز سپندارمذ از ماه سپندارمذ» است. وی در کتاب آثار الباقیه عن القرون الخالیه نوشته است: «مرسوم است در روز سپندارمذ از ماه سپندارمذ که عبارتست از آغاز بهار و اواخر اسفند ماه، مویز را با دانه‌های انار می‌کوبند و می‌گویند پادزهری است از برای دفع زهر کژدم». این ایام با جشن سپندارمذ ایزد موکل

زمین و حامی زنان شوی دوست مقارن است. عده‌ای دیگر آن را در فصل شروع گرما نیز گزارش کرده‌اند (۱۹).

۵-۲-۲. نیرنگ بیماری بستن: این افسون و دعا که برای بستن بیماری، کاهش تب، زدودن ترس و پاک‌سازی تن و روان به کار می‌رود، با نام اهورامزدا و تجلیل از نیکی و راستی آغاز و با فراخوانی ایزدان محافظتی مانند سروش، آناهیتا، مهر و تیشتر معمولاً در زمان‌های مقدس مانند روز سپندارمذ یا سپیده‌دم اجرا می‌شود. این مراسم با گفتن واژگان امری و تطهیرگرانه مانند: «ببند بیماری»، «بشکن زهر»، «بگریزان دیو» و «پاک ساز روان» همراه با یاد کردن از فریدون و وند در خانه فرد بیمار ادامه می‌یابد و سرانجام با خواندن دعای «آشم و هو» به پایان می‌رسد (۱۱). روش دیگر آن است که دانه‌های گشنیز سفید و سیاه را به رشته‌ای بکشند، آن رشته را درون گوی پارچه‌ای فرو برند، سپس آن را بر روی زمین نهند و سه خط یا کش بر گرد آن رسم کنند و در این حال، برای امشاسپند اردیبهشت، دعا بخوانند (۲۰).

۵-۲-۳. نیرنگ تب بستن: در این نیرنگ برای کاهش تب و حرارت بدن، به ویژه در کودکان از عناصر طبیعی مانند باد، آب و آتش استفاده و دعاهایی با مضامین آرامش‌بخش خوانده می‌شد. یکی از تعویذها این بوده است: «به کمک نام خدا و به کمک نام قدرت و جلال فریدان، پسر اثویان، این تب و سایر بیماری‌های (نام بیمار) از تاثیر دیوان یا ترفندهای حيله‌گرانه دروج، از چشم زخم، چه خویشاوند و چه غیرخویشاوند، از خطاکاران و دیوپرستان، ستمگران و گناهکاران، اشموغ‌ها، جادوگران و پریان، باز داشته می‌شود. خداوند به او سلامتی عطا کند! سلامتی و نام نیک از آن او باد! آمین!» (۱۱)

۵-۲-۴. نیرنگ نیاز: این نیرنگ با نیت پاک و برای برآورده شدن حاجات، گشایش در کارها و آرامش روان در کنار آتش مقدس یا در خلوت، همراه با نذر یا پیشکش اجرا و در آن از اهورامزدا و امشاسپندان یاری خواسته می‌شد.

۵-۲-۵. نیرنگ دام بستن: در بین مردمان لرنشین کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی فارس، رسم دام بستن به‌عنوان یکی از سنت‌های کهن همچنان رواج دارد. جزئیات

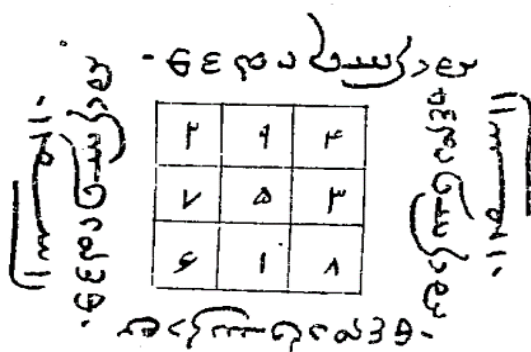
این مراسم این گونه است که زمانی که گوسفند یا هر حیوان سودمند دیگری در طبیعت گم می‌شود، برای در امان ماندن از دزدان و راهزنان یا مهمتر از آن جانوران وحشی، فرد صاحب مال با به همراه داشتن یک وسیله فلزی مانند قفل، چاقو یا چیزی شبیه به آن و همچنین رشته‌های نخ به نزد روحانی آبادی می‌رود. او ابتدا آیه یا سوره‌هایی از قرآن که معمولاً آیه‌الکرسی یا سوره شمس است را تلاوت و بعد با گفتن عبارت: «بستم چنگ و دندان و غضب فلان حیوان را، بستم نیش و زهر و گزند فلان جانور و غیره را» بر آن رشته نخ فوت می‌کند و آن را به قفل گره می‌زند و در آخر قفل را هم می‌بندد. سپس قفل را در جایی مطمئن نگهداری می‌کنند. اگر قفل به خاک برسد یا باز شود، نیرنگ باطل یا به تعبیری طلسم شکسته می‌شود (۱۶). رواج این عقاید در دوران کنونی نشان از باور مردم به افسون و نیرنگ دارد.

۶. مصادیق مادی و نوشتاری نیرنگ (طلسم‌ها)

۶-۱. طلسم‌های نوشتاری (رقعه‌ها): نیرنگ‌ها گاه به صورت متون نوشتاری و اغلب به خط اوستایی و در موارد جدیدتر به خط عربی بر روی کاغذ نوشته و به بدن بیمار بسته یا در مکان مورد نظر آویخته می‌شدند. نوعی از نیرنگ که برای دفع گزند جانورانی چون عقرب، مار و دیگر خزندگان به کار می‌رود، «رقعه کژدم» نام دارد و با اسامی چون «کتبه‌الرقاع» یا «کتب رقاع‌العقارب» نیز شناخته می‌شود. این افسون با آیین مردگیران (آیین مردگیران همزمان است با روز سپندارمذ از ماه سپندارمذ که در ایران باستان روز پنجم از ماه اسفند بود. در این روز برای بزرگداشت سپنتا آرمئی تی یا ایزد بانوی زمین جشنی زنانه برگزار می‌شد. ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه آورده‌است: «اسفندارمذ فرشته موکل بر زمین است و در روز سپندارمذ در ماه سپندارمذ به جهت یکی شدن نام روز با ماه عید زنان، مردان به زنان هدیه می‌دادند. این رسم در شهرهایی چون اصفهان، ری و پهل و شهرهای مرکزی و غرب ایران باقی مانده است و به فارسی مردگیران گویند.» چنان‌که بیرونی نیز اشاره کرده‌است، سپاس و ستایش مادران و زنان از ویژگی‌های اسفندگان است. در این روز زنان و مادران لباس نو

می‌پوشند و انجام کارهای خانه بر عهده پدران و فرزندان است. همزمان با روز سپندارمذگان ارتباط داشت و ریشه در سنت‌های زردشتی و باورهای اسطوره‌ای ایران باستان دارد. برای نوشتن رقع، افسون را بر روی سه قطعه کاغذ چهارگوش نوشته و بر سه دیوار خانه نصب می‌کردند. دیوار چهارم که معمولاً ورودی خانه بود، خالی می‌ماند تا حشرات و جانوران موذی از آن خارج شوند. زمان نگارش این افسون بین سپیده‌دم تا طلوع خورشید تعیین شده بود که نماد گذار از تاریکی به روشنایی و پیروزی نیروی خیر بر شر است. در متن افسون، نام‌هایی مانند اورمزد (نماد خرد و نظم آفرینش)، جم (نماد جاودانگی و نور) و فریدون (پیروزگر بر نیروهای اهریمنی) آمده است که قدرت محافظتی طلسم را تقویت می‌کنند. در یک متن کوتاه پهلوی تحت عنوان نیرنگ بستن زهر، نیش و دندان خرفستران این عبارت آمده است: «ماه اسپندمذ و روز اسپندمذ و روز اسپندمذ و ماه اسپندمذ، اسپندمذماه، اسپندمذروز بستم زهر نیش و پوز همه خرفستران را به نام و نیروی فریدون نیو و یاری ستاره و نند و هرمزدداد، مومنان را روا باد، ایدون باد، اشم تندرست باد.» (۱۸) در نوشته‌های جدیدتر از این متن استفاده می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم اسفندارمذماه و اسفندارمذروز، بستم دم و رفت زیر و زیر از همه جز ستوران، بنام یزدان و بنام جم و فریدون، بسم الله بدم و حسبی الله وحده و کفی.» (۱۶) در کتاب نیرنگستان نوشته صادق هدایت نیز به افسون‌های مشابهی برای دفع جانوران موذی اشاره شده است. در بخشی با عنوان «خزندگان و گزندگان»، افسون‌هایی آمده که ساختاری متفاوت دارد و به زبان عربی است، همچون: «أعوذ برب السُّها و السُّهیه من شرّ کلّ عقرب و رتيلا و حيه، شجاً شجاً، قرنياً قرنيماً، يا نوح.» در این آیین، پس از خواندن افسون، سه بار دست‌ها را محکم به هم می‌زنند تا صدای آن در فضا بیچد و باور بر آن است که تا هر جا صدا برسد، جانوران موذی نمی‌توانند وارد آن فضا شوند (۲۱). حتی برای درختی که خرفستر در آن پیدا شده نیرنگ را بر کاغذی نوشته و بر درخت می‌آویختند. در تعویض دیگری از بستن دهان حیواناتی مانند موش، گربه و گرگ نیز یاد شده تا آسیبی وارد نکنند (۱۱). برای تسهیل در زایمان مادران رقع‌ای باید نوشته شود که شکل مربع ۹ خانه است که داخل آن اعداد مخصوص و اطراف مربع اصلی به خط اوستایی نوشته شده است (۲۱) (تصویر ۲).



تصویر ۲: رقع برای تسهیل زایمان از کتاب داراب هرمزدیار

۲-۶. طلسم‌های فیزیکی (نقوش و مهرهای حکاکی‌شده): نوشته این طلسم‌ها گاهی روی ورق‌های نقره یا مس، مهره‌های فلزی یا سنگی یا حتی خاتم انگشترها حک

می‌شدند. حک کردن نقش پادشاهان اسطوره‌ای جم یا فریدون به عنوان دافع شر و زهر نیز رایج بود. در طلسم‌های سنتی ایرانی، نقش جم (جمشید) جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا جم در

اسطوره‌های ایرانی نماد نظم کیهانی و پیروزی بر آشوب است. طلسم‌هایی که با نقش یا نام جم همراه‌اند، معمولاً برای اهدافی چون دفع شر، محافظت از خانه، افزایش فرّ ایزدی و حتی بستن زهر و بیماری به کار می‌رفته‌اند. در برخی نسخه‌های طلسمات، نقش جم به صورت نام او به خط طلسمی یا تصویر نمادین او با خورشید و جام جهان‌نما حکاکی می‌شده است. همچنین در بعضی از نواحی ایران استفاده از مهره سبز سفارش شده است. زیرا اعتقاد دارند کسی که این مهره را دارد خرفستری او را نخواهد گزید (۸). بستن هفت ریسمان نیز در هنگام نیرنگ بستن توصیه شده است. شاید بیراه نباشد از روشی برای درمان عقرب‌گزیدگی که مردم دیلمستان در دوره آل‌بویه یعنی قرن‌های چهارم و پنجم قمری استفاده می‌نمودند یاد کنیم. برای درمان عقرب‌گزیدگی قطعه آهنی را از بالای محل گزیدگی تا محل زخم می‌کشیدند و این الفاظ را تکرار می‌کردند: «بسم الله - لومر - سر لومر - بهل بتی - تنبه - تنبه - کرورابا - ابتهج - ابتهج - بهشترم - بهوداله - مهراشترم - لوته - قرقر - سفاهه» تا عقرب‌گزیده احساس کند که زهر به محل گزیدگی سرازیر شده است. سپس با سر سوزن، محل گزیدگی را باز می‌کردند و فشار می‌دادند تا زهر خارج شود (۲۲).

بحث

روش‌های درمانی بیماران که مبتنی بر انجام اعمالی با رگه‌هایی از باورها و عقاید دینی و روش‌های جادویی بودند، از روزگاران باستان وجود داشته و رد پای آنها در اغلب ادیان باقی مانده است. در عصر تکنولوژی خرافه و مهمل دانستن جادو، هر گونه علت‌یابی برای این روش‌های درمانی را بی‌اعتبار می‌سازد؛ روش‌هایی که روزگاری تنها راه نجات بیماران از درد و رنج بیماری بود، اما علیرغم این مخالفت تند و تیز، یافتن سرنخ‌هایی برای درمان بیماران ما را با دنیای بزرگی از باورها و عقایدی رو به رو می‌کند که نحوه تفکر انسان باستان را در برابر دنیای پیرامونش آشکار می‌سازد. نگرش زرتشتیان به جادوگری را باید در چارچوب دوگانه‌گرایی ایران باستان دید

که در آن خیر، عامل نظم، زندگی و رشد در برابر شر، عامل بی‌نظمی، مرگ و نابودی تعریف می‌شد. بنابراین مرگ و بیماری که توسط شیاطین و جادوگران ایجاد می‌گردید، شکل نهایی بی‌نظمی به شمار می‌رفت. وقتی جسم بیمار می‌شد، اختلالی در عملکردهای بدن به وجود می‌آمد و اگر مرگ روی می‌داد به معنای بی‌نظمی کامل بود، زیرا بدن به معنای واقعی کلمه بی‌نظم و از هم گسیخته می‌گردید. بنابراین مرگ سلاح نهایی روح شر بود. کاتبان اوستا، با اعتقاد قوی خود به «نظم» به عنوان بالاترین اصل، به طور طبیعی دشمن خود را در «بی‌نظمی» می‌دیدند. نیرنگ بخشی از دانش آیینی موبدان بود که با هدف بازگرداندن هماهنگی ایزدی و دفع نیروهای اهریمنی و برای حفاظت، پاک‌سازی یا درمان به کار می‌رفت. استفاده از فعل بستن در حین خواندن نیرنگ‌ها ناشی از این باور بود که نیروی بیماری باید مهار و متوقف شود؛ گویی درب ورود آن به بدن بسته می‌شود. در آیین زرتشتی، بسیاری از اعمال دینی با بستن یا گره زدن همراه بوده‌اند؛ مانند گُستی بستن یا بستن کمربند مقدس با خواندن نیرنگ خاص که می‌تواند نمادی از پیوستن به راه اشا (راستی) و بستن راه ورود دیوان و آلودگی‌ها باشد. در سنت زرتشتی، کلام مقدس (مانتره) قدرت واقعی دارد. وقتی گفته می‌شود «تب را ببند»، این یک فرمان مینوی است که با خواندن نیرنگ، تب باید از بدن خارج یا متوقف شود. در نظام درمانی زرتشتی با استعانت از ایزدان درمانگر و یا اسطوره‌های مذهبی مانند فریدون از آنان درخواست می‌شود بیماری را متوقف یا بهبود بخشند. قهرمانان اسطوره‌ای معمولاً طلسم‌هایی داشتند که برای رفع بیماری از آنان استفاده می‌کردند.

نتیجه‌گیری

نیرنگ بستن بیماری در متون اوستایی گرچه مشخصه‌های رفتاری آیینی و مذهبی دارد، اما در فرمی جادوگرانه انجام می‌شود. اغلب خدایان خاصی مانند هوم، وایو و سروش را فرا می‌خواندند و از نام‌های متعدد اهورامزدا برای دفع شیاطین و جادوگران استفاده می‌شد. اگرچه در جادوها از خدایان کمک

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان تأکید می‌کنند که از ابزار هوش مصنوعی Perplexity AI برای یافتن مقالات مرتبط با کلمات کلیدی و AI Copilot برای خلاصه نمودن مقالات استفاده شده است. تمام مراحل پژوهش، تحلیل داده‌ها، تفسیر نتایج و نگارش محتوای اصلی توسط نویسندگان انسانی انجام شده و هیچ بخشی از محتوای علمی توسط هوش مصنوعی تولید نشده است.

می‌خواستند، اما در صورتی که خدایان رنجیده می‌شدند می‌توانستند عامل ویرانی نیز باشند. بنابراین، جادوهایی نیز برای دفع خدایان خشمگین وجود داشت. بعضی از طلسم‌ها و نفرین‌ها در آیین‌های پاکی نیز استفاده می‌شدند. آیین‌هایی که هدف آنها بیرون راندن دیوهای آلودگی بود. در مورد بیماری، دیو هدف قرار می‌گرفت نه خود بیماری؛ به‌عنوان مثال، تب یک دیو محسوب می‌شد. بیرون راندن دیو اغلب شامل احضار فهرست‌های طولانی از دیوها بود و گاهی اوقات از خدایان نیز درخواست کمک می‌شد. با نفرین کردن به دیوها دستور داده می‌شد که بمیرند یا در شمال، محل سکونت سرد خود، گم شوند. کاربردهای جادو در اوستا متنوع و از اهمیت اعتقادی بالایی برخوردار بود. زیرا به خدایان در نبرد با شر کمک می‌کردند. آنچه که می‌توان به آن اعتراف کرد این است که نیرنگ در نگاه زرتشتیان، خرافه نیست، بلکه بخشی از نبرد مینوی خیر و شر است و نقش انسان را در بازگرداندن نظم مقدس ایزدی با یاری ایزدان درمانگر نمایان می‌سازد.

سهم نویسندگان

مریم ناوی: ایده مقاله، جستجوی منابع، گردآوری داده‌ها، نگارش مقاله.
مهدی علمی دانشور: نظارت بر محتوای علمی، مرور کلی و بازنگری، ویرایش و اصلاح نهایی مقاله.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Bahar M. Bondahesh Farnbag Dadagi. Tehran: Tous Publications; 2025. p.34. [Persian]
2. Tafazzoli A. "Ferēdūn". Encyclopaedia Iranica. 1999. Available at: <https://www.iranicaonline.org/articles/feredu/>
3. Behnamfar MH, Abooi Mehrizi N. Medicine and Health-Treatment Methods in Ancient Iranian Texts. Research in History. 2012; 9(3): 23-52. [Persian]
4. Doustkhah J. Avesta: The oldest Iranian hymns and texts. Tehran: Morvarid Publications; 1992. Vol.1-2 p.146, 287, 507, 763. [Persian]
5. Pourdavoud E. Khorde Avesta. Mumbai: Mumbai Iranian Zoroastrian Association; 2021. p.139. [Persian]
6. AzarFarnbagh F, Azarbad O. Dinkard 3. Translated by Fazilat F. Tehran: Farhang Dehkhoda Publications; 2002. p.190. [Persian]
7. Sabouri N. Medicine according to the third book of Dinkard (Middle Persian text, transcription, translation, explanations and glossaries). Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia; 2011. p.96. [Persian]
8. Bagheri Hassan Kiadeh M, Sheibanifard F. Harmful Animals of the xrafstran Based on Avestan and Miyana Persian Texts: A Book with a Look at the Signs and Remembrances to Repel Them. Journal of Iranian Studies. 2014; 26(13): 1-28. [Persian]
9. Molaei Ch. The meaning of the name Fereydoun and its connection with his three powers in Iranian mythological and epic traditions. Literary Essays (Literature and Humanities). 2009; 167(42): 151-76. [Persian]
10. Ferdowsi A. Shahname. Tehran: Naqsh jahaan Publications; 1975. p.47. [Persian]
11. Edulji Kanga E. King Faridūn and a few of his amulets and charms. Edited by Modi J. Bombay: Fort Publications; 1900. p.141.
12. Khaleghi Babaei A, Kazazi MJ, Bashiri M. The Transformation of Fereydoun's Mythical Story in Shahzid's Folk Tale based on the Semiotics of Mythical Symbols. Culture & Folk Literature/Farhang and Adabiyāt-i āmah. 2021; 9(37): 73-99. [Persian]
13. Bivar AD. A Parthian Amulet. Bulletin of the School of Oriental and African Studies. 1967; 30(3): 512-25.
14. Modi J. Charms or amulets for some diseases of the eye. Bombay: Byculla Publications; 1894. p.3-8.
15. Boyce M. A look back at two Pahlavi terms: "Padiab" and "Nirang". Translated by Jadali F. Farhang. 1996; 17(9): 243-66. [Persian]
16. Saadataasl M, Ghazanfari K. Recognizing ancient religious-mythical motifs in the Loric regions of western Iran. Cultural History Studies. 2020; 45(12): 61-87. [Persian]
17. Omidasalar M. "Magic Ii. In Literature And Folklore In The Islamic Period." Encyclopaedia Iranica. 2005. Available at: <https://www.iranicaonline.org/articles/magic/magic-ii-in-literature-and-folklore-in-the-islamic-period/>
18. Oryan S. Pahlavi texts. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran; 1992. p.198. [Persian]
19. Biruni A. Athar al-Baqiyeh. 5th ed. Tehran: Amirkabir Publications; 2007. p.355. [Persian]
20. Onvalla M. Narrations of Darab Hormozdiyar. Bambe'i; Mazgaon Publications; 1922. Vol.1 p.520. [Persian]
21. Hedayat S. Nirangestan. 3rd ed. Tehran: Amirkabir Publications; 1963. p.127. [Persian]
22. Faghihi A. The Buyid dynasty and the conditions of their time with a diagram of the lives of the people of that era. Rasht: Saba Publications; 1978. p.759. [Persian]